آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۲۸۴
پنجشنبه
۱۴۰۱•۰۳•۰۵
۲۴ شوال ۱۴۴۳/ ۲۶ می ۲۰۲۲

فـــــرارو

رهبر معظم انقلاب خطاب به نمایندگان مجلس:

در انتصابات دخالت نکنید

ادامه از صفحه ۲ / مشکل‌تر از انقلابی بودن، انقلابی ماندن فردی و جمعیِ مجلس است. ایشان با تحسین اقدامات خوب انجام شده در دو سال گذشته مجلس یازدهم، در ادامه به بیان شاخص‌های «نماینده انقلابی» پرداختند و گفتند: اولین شاخص، «ساده‌زیستی، و اسیر تجملات و اعیان‌نشینی نشدن» است و نباید زندگی نمایندگان با قبل از دوره نمایندگی تفاوت کند. «مسئولیت‌پذیری» دومین شاخص یک نماینده انقلابی بود که رهبر معظم انقلاب با تأکید بر آن، گفتند: پای قانون خوبی که تصویب می‌کنید محکم بایستید و از طرف دیگر اینگونه نباشد که با آگاهی از رد شدن آن در شورای نگهبان یا ناتوانی دولت در اجرای آن، قانونی تصویب کنید تا فقط مسئولیت آن را از دوش خود بردارید. ایشان «مردمی بودن» را شاخص دیگری از انقلابی‌گری یک نماینده برشمردند و افزودند: مردمی بودن یعنی علاوه بر نشست و برخاست با مردم، گوش شنوا برای شنیدن حرف آنها داشته باشید اما در جایی که امکان اجرای خواسته مردم ممکن نیست با زبان گویا دلایل آن را توضیح دهید که این کار از مصادیق جهاد تبیین است.

نطق‌های میان‌دستورِ همراه با اعتراض و عصبانیت نشانه انقلابی بودن نیست

حضرت آیتا... خامنه‌ای، «اصلی- فرعی کردن مسائل کشور و مقدم داشتن حل مسائل اصلی» را از دیگر شاخص‌های نماینده انقلابی دانستند و گفتند: شاخص دیگر، «اجتناب جدی از تبعیض و فساد» چه در قبال فساد دیگران و چه مراقبت از خود در مقابل فساد است. ایشان «همکاری صمیمانه با قوا و دستگاه‌های دیگر و همچنین بدنه آنها» و پرهیز از گروکشی و معارضه را از جمله الزامات مجلس انقلابی دانستند و خاطرنشان کردند: نماینده انقلابی با عموم مردم همراه است اما عوام‌زده و جوّ زده نیست بنابراین در قوانین و اقدامات مجلس، چنانچه مخالفت‌ها منطقی بود آنها را بپذیرید اما در غیر این‌صورت، جنجال و فضاسازی علیه مجلس و قانون نباید شما را از انجام وظیفه باز بدارد. رهبر معظم انقلاب، «پایبندی کامل به قانون اساسی و تکالیف آن» را شاخصه دیگر نماینده انقلابی دانستند و در جمع‌بندی این بخش از سخنان خود گفتند: البته یکی از چیزهایی که نشانه انقلابی بودن نیست نطق‌های میان‌دستورِ پر شورِ همراه با اعتراض و عصبانیت است. حضرت آیتا... خامنه‌ای سپس به بیان چند توصیه درباره مسائل قانونگذاری پرداختند. ایشان با تأکید بر «وضع قوانین با نگاه جامع و بلندمدت و پرهیز از قانونگذاری برای هر امر جزیی»، توجه به سیاست‌های کلیِ ابلاغی در قوانین را با اهمیت خواندند و افزودند: وظیفه مجلس، قانونگذاری بر اساس این سیاست‌ها است نه در تعارض با آنها، البته بعضی از سیاست‌های کلی مانند سیاست‌های کلی انتخابات یا سیاست‌های کلی قانونگذاری نیاز به قانون دارند که با وجود گذشت چند سال از ابلاغ آنها هنوز قوانین مربوطه تصویب نشده است. رهبر معظم انقلاب، پیشنهاد طرح از طرف نمایندگان را به‌خصوص در مواردی که خلأ و نیاز کشور است اما دولت درباره آنها لایحه نداده است، جزو حقوق و وظایف مجلس خواندند و گفتند: البته شنیدم که در این مجلس تعداد طرح‌ها بیش از مجالس قبلی است که این کار چندان مناسب نیست و کار کارشناسی و اجرای آنها دچار مشکل می‌شود و با اجرا نشدن قانون، مسئولیت‌ها لوث می‌شود. ایشان در این زمینه افزودند: با تشکیل مجالس جدید، طرح‌های در جریان بررسیِ مجلس قبل که وقت و زحمت زیادی صرف آنها شده، کنار گذاشته می‌شود که این مساله نیاز به اصلاح دارد. توصیه دیگر حضرت آیتا... خامنه‌ای «اصلاح ساختار بودجه» بود که گفتند: ترکیب غلط بودجه هنوز اصلاح نشده که مخاطب این موضوع بیشتر دولت است اما در مجلس نیز نباید با افزایش هزینه‌ها بدون تعیین درآمدهای واقعی و قابل تحقق، به کسری بودجه که ام‌الخبائث مشکلات اقتصادی است، اضافه شود. ایشان با تأکید بر «تقویت بنیه کارشناسی مجلس چه در مرکز پژوهش‌ها و چه در کمیسیون‌های تخصصی»، به تدوین برنامه هفتم توسعه اشاره کردند و گفتند: در این برنامه‌های پنج‌ساله نباید به کلی‌گویی اکتفا شود بلکه دولت و مجلس با نگارش مساله‌محور برنامه، راه را برای دست‌اندرکاران کشور روشن کنند. رهبر معظم انقلاب با بیان چند نمونه از مسائلی که باید در برنامه هفتم مورد توجه قرار بگیرد، افزودند: در برنامه هفتم برای مسائلی مانند کشاورزی، یا مساله معدن که ظرفیت‌های کشور در آن دست‌نخورده یا با استحصال بدون ارزش افزوده است، و یا مساله صنعت که راهبرد کشور در این بخش نامعلوم است، به صورت علمی و مساله‌محور سند و برنامه نوشته شود. البته امکانات کشور و موضوع آمایش سرزمینی نیز در نظر گرفته شود. ایشان در توصیه بعدی، «توجه به ابعاد رسانه‌ای مصوبات و اقدامات مجلس و توضیح آنها برای مردم» را مورد تأکید قرار دادند و گفتند: توضیح درست ندادن به مردم، موجب می‌شود فرصت فضاسازی و هیاهو علیه قانون ایجاد شود و شما از تصویب آن پشیمان شوید. حضرت آیتا... خامنه‌ای با تمجید از چابکی و گزارش‌های به‌موقع دیوان محاسبات در چند سال اخیر، افزودند: اخیراً دیوان محاسبات بررسی بودجه بعضی از شرکت‌های دولتی را نیز آغاز کرده که اگر آن را به همه شرکت‌های دولتی تعمیم دهید از جمله امتیازات این مجلس خواهد بود.

پرهیز از دخالت در انتصابات

رهبر معظم انقلاب با اشاره به توصیه سابق خود به نمایندگان مبنی بر پرهیز از دخالت در انتصابات خاطرنشان کردند: رئیس مجلس گفتند بعضی از نمایندگان از این توصیه دلخور شده‌اند، در حالی که این توصیه به مصلحت خود شما است چرا که اگر در یک منطقه با پیشنهاد یا فشار یک نماینده، مسئولی منصوب شود اما عملکرد او مطلوب نباشد، مشخص نیست باید از چه کسی بازخواست شود. ایشان در این زمینه افزودند: یکی از مسائل مهم در قانون اساسی بحث تفکیک قوا است و هر کسی باید به وظایف خود عمل کند، البته همواره به دولتی‌ها نیز توصیه کرده‌ایم از مشورت و نظرات نمایندگان استفاده کنند. حضرت آیتا... خامنه‌ای با تأکید بر اهمیت حفظ آبروی افراد و پرهیز از بیان مطالب اثبات‌نشده از تریبون پر اهمیت مجلس، گفتند: هر چه مسئولیت بیشتر می‌شود، عبادت و تضرع انسان به درگاه خداوند متعال و شفیع قرار دادن ائمه هدی به درگاه الهی باید بیشتر باشد. ایشان در پایان با درود بر ارواح مطهر امام بزرگوار و شهیدان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، یاد شهید صیاد خدایی را که سه روز قبل در یک عملیات تروریستی به شهادت رسید، گرامی داشتند.

ناصر ایمانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اقدامات بزرگ برای اصلاح ساختارهای اقتصادی ضروری است

- دولت باید افکار عمومی و رسانه‌ای را مدیریت کند
- مسبب شرایط فعلی فقط دولت روحانی نیست

آرمان ملی: اقدامات اقتصادی دولت که بسیاری از جمله خود دولتیون تحت عنوان جراحی اقتصادی از آن نام می‌برند باعث بروز برخی نارضایتی‌ها در جامعه شده و گرانی‌ها و رشد فزاینده قیمت‌ها باعث شده تا حتی برخی از حامیان دولت نیز منتقد رویه موجود باشند. این در حالی است که خود دولت معتقد است هر حرکت اصلاحی مخصوصا در زمینه اقتصادی با نارضایتی‌هایی همراه است اما در نتیجه ثمرات خوبی خواهد داشت. حال معلوم نیست که چه مقدار زمان باید بگذرد تا این اقدامات دولت نتیجه بدهد و باید برای این مهم منتظر ماند. در این راستا برای بررسی عملکرد اقتصادی دولت، «آرمان ملی» با ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصولگرا به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

اقدامات اصلاحی اقتصادی دولت یا همان جراحی اقتصادی موجبات بروز برخی نارضایتی‌ها در جامعه شده است؛ اساسا ارزیابی شما از عملکرد دولت در این حوزه چگونه است؟

هیچ کدام از صاحب نظران اقتصادی نیستند که اقدامات اصلاحی دولت را برای اقتصاد کشور ضروری ندانند. همه در این زمینه متفق‌النظرند. ممکن است که کسی بر سر نحوه اجرا، زمان اجرا و اولویت اجرا با دولت اختلاف نظر داشته باشد. ولی همه اتفاق نظر دارند که این اقدامات باید انجام شود و متأسفانه انبوهی از این نوع اقدامات بزرگ اقتصادی از دولت‌های قبل باقی مانده که این دولت باید عهده‌دار همه این اقدامات شود. اگرچه ممکن است که این اقدامات مقداری زمانبر باشد، اما در اصل آن تردیدی نیست که دولت باید این حرکت‌ها را انجام دهد. حال اسم جراحی اقتصادی شاید درست نباشد ولی اقدامات بزرگ اقتصادی برای اصلاح ساختارهای اقتصادی ضروری است و دولت حتما باید این کار را انجام دهد، هرچند که اختلاف‌نظرهایی بر روی نحوه، زمان و اجرای آن وجود داشته باشد. البته مسلما انجام این اقدامات بزرگ اقتصادی یک نارضایتی‌هایی را به وجود می‌آورد و در این مساله تردیدی نیست. منتها دولت باید اینها را خوب مدیریت کند و باید دید که دولت چگونه می‌تواند این مسائل را به جهت افکار عمومی، رسانه‌ای و اینکه آسیب کمتری به اقشار وارد شود مدیریت کند. ولی به هر حال اصل این موضوع ضروری است که باید انجام شود، اما اگر این اقدامات بزرگ اقتصادی نباشد همچنان با تورم مواجه خواهیم بود و تورم متوجه اقشار آسیب‌پذیر مردم می‌شود و بیشتر بر آنها تاثیرگذار خواهد شد، بنابراین در هر حال مردم آسیب می‌بینند. منتها باید این اقدامات انجام شود که در کوتاه مدت برای مردم سخت باشد اما خب باید از این گردنه عبور کرد تا به یک آرامشی برسیم. اینکه ما تورم چهل، پنجاه درصدی در کشور داشته باشیم به اقشار ضعیف مردم فشار زیادی وارد می‌شود که ریشه همه این تورم‌ها نیز به کسری بودجه دولت‌ها بازمی‌گردد. از طرف دیگر نیز با این تورم مردم به لحاظ روحی و روانی آرامش ندارند، بنابراین اینها باید کنترل شود. راه‌حل کنترل آن هم همین مساله اقدامات بزرگ اقتصادی است.

برخی از منتقدین معتقدند که در دولت احمدی‌نژاد هم رویکردهای اصلاح اقتصادی مطرح و عمل شد، اما نتیجه آن صرفا فشار به جامعه بود و اگر در این دولت نیز نگاه کارشناسانه به مسائل نباشد چه بسا همان رویه سابق تکرار شود؛ تحلیل شما چگونه است؟

من با این حرف موافقم. اساسا باید این اقدامات اقتصادی انجام شود اما اگر در زمان خود، با اولویت‌های مناسب خود و با پیش‌بینی پوشش دادن به اقشار ضعیف انجام نشود نارضایتی به وجود خواهد آورد. یعنی اگر پوشش دادن به اقشار ضعیف انجام نشود موجبات نارضایتی در جامعه را فراهم خواهد آورد. اصل این موضوع درست است که نارضایتی به وجود می‌آورد، اما این نارضایتی‌ها را حتی‌الامکان باید مدیریت و تحمل کرد. در هر حال مردم آسیب می‌بینند و اگر این کارها را هم نکنیم مردم از طریق دیگری یعنی تورم بالا و کاهش ارزش پول ملی آسیب می‌بینند.

عده‌ای از حامیان دولت یا درون دولت، دولت گذشته را مسبب تمامی مشکلات قلمداد می‌کنند و شرایط اقتصادی بغرنج فعلی را ناشی از عملکرد نامطلوب دولت روحانی می‌بینند؛ این مساله را چگونه می‌بینید؟

مسبب بخشی از این مشکلات دولت قبل است و مسبب بخشی از آن هم دولت‌های قبل هستند. یعنی از ساختارهای اقتصادی غلط حتی تا قبل از پیروزی انقلاب باعث مشکلات اقتصادی فعلی جامعه هستند. یعنی یک اقدامات ریشه‌ای باید در پیش از انقلاب انجام می‌شده تا دولت‌های پس از انقلاب نیز به‌طور ریشه‌ای مشکلات اقتصادی را حل و فصل کنند. اما همان‌طور که گفتم در بخشی از مشکلات به‌طور مشخص در دو بعد مقصر دولت قبلی است. یکی در بعد اینکه برخی اقداماتی که انجام داد را نباید انجام می‌داد و برخی را که باید انجام می‌داد را انجام نداد. بخشی نیز به این جهت که دولت قبلی باید بخشی از این اقدامات را در آن زمان مدیریت می‌کرد که برای دولت بعدی تلنبار نشود. حال دولت بعدی اصولگرا، اصلاح‌طلب یا هر چه باشد. کاری به اسمش نداریم و حتی اگر این دولت آقای رئیسی یک دولت اصلاح‌طلب هم بود باید این اقدامات را انجام می‌داد. لذا اصلا مهم نیست که این دولت از کدام جناح یا دولت قبل از کدام جناح بوده است. دولت آقای روحانی باید یکسری از این اقدامات از جمله مساله ارز ۴۲۰۰ تومانی را در زمان خود انجام می‌داد که نداد. آن زمانی که ارز در دولت وی ۱۰ هزار تومان بود صرف نظر از اینکه نفس ارز ۴۲۰۰ تومانی درست بود یا نه وقتی قیمت ارز به ۱۰ یا ۱۵ هزار تومان رسید آن زمان بهتر می‌توانستند این کار را مدیریت کنند تا اینکه بگذارند ارز به ۲۵ هزار تومان برسد که بخواهند این کار را انجام دهند. با این حال اینکه گفته شود باعث تمامی مشکلات اقتصادی کشور به‌طور کامل از رشد نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی، گردش نقدینگی بالا و... فقط دولت آقای روحانی است سخن نادرستی است، اما قطعا بخشی از این شرایط به جهت عملکرد دولت پیشین بوده است. اساسا دولت‌ها از جمله دولت آقای روحانی بی‌تقصیر نیستند.

نگاه جناحی و طیفی چه مضراتی به اقتصاد کشور می‌زند؟

اگر دولت قبل هم کاملا یکدست بود و اگر این دولت هم یکدست نبود بازهم باید روند درستی طی می‌شد. این مساله اصلا ربطی به یکدست بودن یا نبودن ندارد. مردم به عملکرد نگاه می‌کنند برایشان اسم‌ها مهم نیست. حتی رای هم که می‌خواهند بدهند به اعتقاد بنده در هیچ دوره‌ای در این چهل سال گذشته مردم جناحی رأی ندادند که بخواهند اصولگرایان را دوست داشته باشند یا اصلاح‌طلبان را و هیچ موقع رأی مردم جناحی نبوده و در آینده هم نخواهد بود. مردم به عملکردها نگاه می‌کنند. در یک مقطع زمانی انتخابات ریاست‌جمهوری ممکن است تصور کنند که فلان فرد فارغ از اینکه اصلاح‌طلب است یا اصولگرا به نسبت کاندیداهای دیگر بهتر می‌تواند کشور را اداره کند. نه به جهت اینکه اصلاح‌طلب یا اصولگراست و به این جهت به وی رأی بدهند. همچنان که ما در خیلی از دوره‌ها داشتیم که یک کاندیدای اصلاح‌طلب و یک اصولگرا بوده و مردم به یکی از اینها رأی دادند و دور بعدی به آن یکی رأی دادند.

احمد حکیمی‌پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اصلاح طلبان باید برای هر شرایطی «راهکار» داشته باشند

- پاسخگویی، پاکدستی و شفافیت شاخصه‌های رفتار اصلاح‌طلبانه است
- بازنگری در اصلاحات باید در سه حوزه ساختار، گفتمان و رفتار باشد

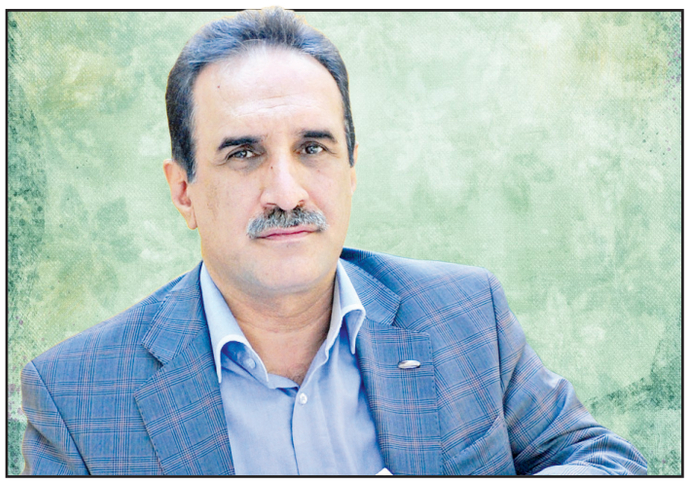

آرمان ملی: اصلاح‌طلبان به عنوان جریان سیاسی که همواره خواسته‌اند محور مطالبات جامعه باشند و همچنانکه حرف مردم را می‌زنند در عمل هم مردم را نمایندگی کنند و در قدرت نیز به دنبال حل مشکلات و مطالبات مردم باشند امروز به دلیل شرایط معیشتی جامعه و عملکردهای دولت قبل و نا امیدی جامعه گسست زیادی میان خود و مردم می‌بینند که همین امر باعث شده تا اصلاح‌طلبان دیگر نتوانند در جایگاه صدای مردم قرار گیرند و به حاشیه سیاست عملی کشور بروند. از همین رو برخی بر این عقیده‌اند که اصلاح‌طلبان برای بازگشت به قدرت و جلب حمایت مردم باید ابتدا نوعی بازنگری در خود داشته باشند و سپس برنامه‌های روز آمد، مدون و مردم محور بدهند تا بتوانند اعتماد از دست رفته مردم را جلب کنند. انتخابات مجلس دوازدهم نزدیک‌ترین آوردگاهی است که آنها می‌توانند بار دیگر خود را در آزمون اعتماد عمومی بیازمایند و باید دید تا آن زمان روند امور چگونه پیش خواهد رفت. در این راستا برای بررسی چگونگی احیای سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان، مولفه‌های نقد درونی و بازنگری در اصلاحات «آرمان ملی» با احمد حکمی‌پور دبیر کل حزب اراده ملت و فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

از دیدگاه شما اصلاح‌طلبان برای بازگشت به جامعه و بازیابی سرمایه اجتماعی خود باید چه اقداماتی صورت دهند؟

هر جریان سیاسی طبیعتا اگر بخواهد به روز باشد و در پیوند با مسائل اساسی مردم بخواهد فعالیت کند طبیعی است که باید دائما با جامعه در ارتباط باشد و با مردم حرف بزند و با تحولات پیش برود. اکنون جامعه ما هم با توجه به شرایط و مشکلاتی که دارد اصلاح‌طلبان نیز یک جریان شناخته شده‌ای هستند و عملکردهایشان با تمام ضعف و قوت‌هایی که داشتند روشن است. خب الان فرصتی برای اصلاح‌طلبان است که خود را باز سازی کنند. لذا تا قبل از اینکه اصلاح‌طلبان خود را بازسازی نکردند و برنامه جدیدی را طراحی و تدوین نکردند نباید در کار عجله کنند. اصلاح‌طلبان ابتدا باید یک ارزیابی از خود و جامعه داشته باشند و ببینند که با توجه به مشکلات عینی که داریم چه راه حل‌های عملی را می‌توان برای حل مشکلات داد و به این ترتیب با مردم و اقشار مختلف ارتباط برقرار کنند و بتوانند به بازسازی خود بپردازند. منتها همان‌طور که گفتم مقدمه این مساله این است که اصلاح‌طلبان یک ساماندهی درونی داشته باشند، البته در خصوص نوع نگاه و رویکرد جامعه نسبت به اصلاح‌طلبان و اینکه بگوییم مردم به‌طور کامل از اصلاح‌طلبان نا امید و رویگردان شده‌اند فعلا برای قضاوت زود است. چون اساسا آنچه که من می‌فهمم مردم با جریانات سیاسی قهرند و از آنها دلزده شدند و همه را به یک چشم می‌بینند لذا مرزبندی‌هایی که جریانات سیاسی در میان خود قائل هستند در متن مردم چندان وجود ندارد، اما مساله این است که اگر بخشی از فعالان و کنشگران را که مسائل را رصد و تحلیل می‌کنند را کنار بگذاریم نگاه متن جامعه به همه مجموعه‌ها تقریبا یکسان است. در نتیجه اساسا کارهایی که در این کشور طی چند سال گذشته صورت گرفت موجب بدبینی مردم نسبت به جریانات سیاسی گردید. اکنون جریانی که هست را نیز ما یک جریان سیاسی رسمی نمی‌دانیم و معلوم نیست که خود اصولگرایان نیز چه میزان با این جریان احساس قرابت می‌کنند و آن را از آن خود می‌دانند. اتفاقی که امروز در جامعه رخ داده این است که جریانات سیاسی رسمی کشور چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب به حاشیه رفته‌اند. کنش‌ورزی و سیاست ورزی ما نیز در جاهایی شکل می‌گیرد که خیلی تابلوی مشخص و پاسخگویی واضحی را از آنها نمی‌دانیم. این خود نشانگر حالتی از تعلیق و ابهام در سیاست‌ورزی جامعه ایران در این شرایط است. به هر حال جریانات سیاسی رسمی نیز مثل اصولگراها و اصلاح‌طلبان هستند و نم نمک حرف می‌زنند و حرکت می‌کنند اما این حرف‌ها روی مبانی مشخص یک جامعه که روی رقابت سیاسی شکل می‌گیرد نیست. عملا رقابت سیاسی در جامعه ما تعطیل است و چیزی نمی‌بینیم.

اینکه گفته می‌شود اصلاح‌طلبان باید یک نگاه اصلاح و نقد درونی به خود داشته باشد تابع چه مولفه‌ها و کار ویژه‌هایی است؟

جریان اصلاحات یا هر جریانی اولا بایستی تکلیف خود را با داخل خود مشخص کند که بالاخره چه ساختاری دارد و چه سازوکاری برای کنش ورزی تعریف کرده است که این باید شفاف، روشن و از طرف متن جامعه و علاقه مندان قابل رصد و اندازه‌گیری باشد. دیگر اینکه نسبت به مسائل و معضلات جامعه چه پاسخ روشن و راه‌حل عملی دارد؟ دیدگاه‌هایش نسبت به مسائل اقتصادی، سیاست خارجی، بحث آزادی‌های مدنی و کلا آن چیزهایی که به حقوق اساسی و آزادی مدنی مردم مثل حق تحصیل، حق اشتغال و حق آموزش باز می‌گردد چیست. اینکه ما در چه شرایطی هستیم، کشور در چه شرایطی قرار دارد و اصلاح‌طلبان برای این شرایط چه پاسخ و راه‌حلی دارند. اساسا مشکلات جامعه را در چه حوزه‌هایی می‌بینند و چه راهکارهایی برای حل این مشکلات دارند که باید به این مسائل پاسخ روشنی داده شود. این بر می‌گردد به اینکه اصلاح‌طلبان بحث‌های درونی خود را شفاف جلو ببرند و از این حالتی که یک سر طیف افرادی باشند که تمایلات لیبرال دموکراسی دارند و یک سر طیف افرادی باشند که دیدگاه‌های سوسیال دموکراسی دارند جدا شوند و رویکرد واحدی را پیش بگیرند. چون باید موضوع جریان، ائتلاف یا جبهه بر روی مسائل اساسی مردم تعیین شود. مگر اینکه بگویند ما صرفا فقط روی یک مساله فعلا تفاهم داریم. اما اگر بخواهیم روی مسائل اساسی مردم حرف بزنیم باید اول به این بحث پرداخته شود که امروز مسائل اساسی مردم در چیست. مساله معیشت مردم، امنیت یا استقلال است؟ بالاخره اصلاح‌طلبان باید بر روی این حرف‌ها نیز مواضع خود را یکی کنند.

بازنگری در اصلاحات یا به عبارت دیگر اصلاح اصلاحات در چه حوزه‌هایی باید صورت بگیرد؟

از سال ۹۶ و حتی پیش از آن از سال ۹۴ به وضوح می‌بینیم که در ۳ حوزه باید بازنگری صورت بگیرد. در حوزه ساختار که باید دموکراتیک و قانونمند باشد. در حوزره گفتمان که بالاخره اصلاح‌طلبان مسائل اصلی جامعه را در چه می‌بینند و چه راه‌حل‌هایی دارند و گفتمانی که در این رابطه تعریف می‌کنند چیست. دیگری هم در حوزه رفتار که رفتار درون جریانی و رفتار با مردم است. اینجا باید دقیقا شفافیت، پاسخگویی و قانونمندی و پاکدستی به وضح دیده شود، چراکه اصلاح‌طلبی بیشتر یک رفتار است نه یک تز سیاسی. رفتار اصلاح‌طلبانه شاخصه‌هایی همچون صداقت، پاسخگویی، پاکدستی، شفافیت و قانونمندی دارد. البته ما به عنوان حزب اراده ملت چون از تیر ماه سال ۹۹ از جبهه اصلاحات خارج شدند به‌طور دقیقی خبر نداریم که در این حوزه‌ها چه اتفاقی رخ داده و کدام انجام شده و در کدام حوزه فعالیتی صورت نگرفته است. ما نقدهایمان را نوشتیم و تصمیم گرفتیم از آن ساختار بیرون بیاییم.

یادداشـــت

توافق، کمی دور کمی نزدیک

علی علیزاده
عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

مذاکرات هسته‌ای تا ۲۰ اسفند ۱۴۰۰، به صورت حضوری در وین ادامه داشت که یک هفته قبل از ۲۰ اسفند، مذاکره کنندگان اروپایی و چین و روسیه به کشورهای خود بازگشتند زیرا جمع بندی این بود که در خصوص ترتیبات اجرایی مسائل هسته‌ای، توافقات صورت گرفته و ترتیبات اجرایی تحریم‌ها می‌ماند که به ایران و آمریکا بازمی‌گردد و دو کشور باید به توافق برسند. قرار شد ایران و آمریکا به صورت پیغام شفاهی و نوشتاری، در خصوص تحریم‌ها و ترتیبات اجرایی آن به توافق برسند؛ اما به دلیل جنگ اوکراین و تضمینی که روس‌ها در خصوص مراوداتشان بعد از توافق با ایران، از آمریکایی‌ها و اروپایی خواستند، وقفه‌ای در مذاکرات ایجاد شد اما مذاکرات در این مدت متوقف نشده بود بلکه به شکل دیگری از طریق واسطه‌ها ادامه داشت. اختلافات بین ایران و آمریکا موارد متعددی است که یکی از این موارد، برگشت پذیری لیست تحریم‌هاست که آمریکا خواهان اضافه شدن بندی است که هر زمان خواست این افراد حقیقی و حقوقی را به لیست تحریم‌ها باز گرداند که ایران به هیچ عنوان موافق این امر نیست و اجازه نمی‌دهد آمریکا به بهانه‌های واهی دوباره تحریم‌ها را اعمال کند و در این خصوص علائم مثبتی از طرف مقابل دریافت می‌شود تا به جمع بندی مثبتی برسند، اما هنوز نهایی نشده است. مورد اختلاف بعدی، تحریم تسلیحاتی ایران است که ایران خواهان برطرف شدن آن است اما آمریکا اعلام کرده که این مورد خارج از تعهدات برجامی است؛ اما در این زمینه هم علائم مثبتی بین طرفین رد و بدل می‌شود که احتمال رفع مشکل وجود دارد. آمریکایی‌ها بهانه‌های مختلفی برای تحریم سپاه دارند؛ مثل فعالیت‌های تروریستی و دخالت در انتخابات داخلی آمریکا از جمله این بهانه‌هاست که رایزنی‌ها در این خصوص هم ادامه دارد. خارج شدن نام سپاه از FTO برای ایران اهمیت زیادی دارد و ایران به دنبال این است که نام سپاه از این لیست خارج شود که در این زمینه هم نشانه‌های مثبتی رد و بدل می‌شود. محل اختلاف بعدی در مورد سپاه، بحث FTI یا همان تحریم‌های دفتر تروریسم اطلاعات مالی وزارت خزانه‌داری آمریکاست اما در این رابطه مذاکرات هنوز ادامه دارد؛ اما احتمال رسیدن فوری به توافق در FTO بیشتر است. به هر حال مذاکرات به صورت پیغام‌های کتبی و شفاهی در حال انجام است اما سفر اخیر انریکه مورا به ایران رویکردهای مثبتی را از طرف مقابل به‌همراه داشت که امیدواری برای اراده سیاسی را جهت حل و فصل مساله بالا می‌برد. تمایل به توافق هم در ایران و هم در آمریکا کاملا وجود دارد اما باید توجه کرد که تصمیم گیری، درست و به موقع انجام شود زیرا هر نوع سستی و فرسایشی شدن به اصل مذاکرات آسیب می‌زند. محوری‌ترین خواسته‌های ایران در مذاکرات می‌تواند رفع تحریم‌های مالی و بانکی و فروش نفت باشد و از سوی دیگر هدف اصلی آمریکا از این مذاکرات، کنترل توانمندی هسته‌ای ایران و مدیریت غیرمستقیم مسائل منطقه است که به نظر می‌رسد اراده و تمایل توافق در طرفین وجود دارد. به نظر می‌رسد توافق نانوشته‌ای بین ایران و آمریکا وجود دارد که چشم خود را روی اقدامات یکدیگر می‌بندند تا به توافق نهایی در مذاکرات برسند.

دریچـــــه

مهدی ذاکریان:

تاثیر میانجی‌گری بر خروج مذاکرات برجامی از بن‌بست

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره میانجی‌گری‌های متعدد در بحث هسته‌ای و برجام توسط برخی کشورهای منطقه و اروپایی و تاثیر آنها بر خروج از بن‌بست به وجود آمده در مذاکرات اظهار داشت: تعدادی از همسایگان ایران بسیار خوب هستند که تعامل و ارتباط فرهنگی و تاریخی هم با ایران داشته و دارند و تلاش کرده‌اند همواره در دوره‌های مختلف مسائل ایران با سایر کشورها را حل کنند. عمان و قطر از این دست کشورها هستند یا الجزایر در گذشته تلاش داشت با میانجی‌گری با توجه به مشکلاتی که ایران داشت در این مسیر به تعامل و حل مسائل میان ایران و کشورهای دیگر کمک کند. مهدی ذاکریان گفت: معتقدم میانجی‌گری حرکتی مثبت و در چارچوب منشور سازمان ملل در فصل ششم و مورد تایید است، از این رو حرکتی مشروع و بین‌المللی است. اما شاهد هستیم که ایران در فرصت‌هایی که از این دست ایجاد می‌شود نهایت بهره را نمی‌برد. این عدم بهره مربوط به تمام دولت‌هاست. این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: به‌طور کلی وجود میانجی خیلی موثر است اما به نتیجه رسیدن در مساله مورد نظر به همکاری ایران و طرف مقابل بستگی دارد. ذاکریان تصریح کرد: متأسفانه به نظر می‌آید طرف مقابل یعنی آمریکا خیلی وقت است که دیگر تمایل فوری برای حل مساله ندارد. متأسفانه در تحلیل‌ها و اخبار و گزارش‌ها این طور به نظر می‌آید که عدم توافق با ایران و احیا نشدن برجام ضرر زیادی برای جامعه جهانی ندارد.